



اهمیت توجه به سازماندهی و کامپیوتری کردن اطلاعات مجموعه موجود و اولویت بخشیدن به آغاز جستجو از مجموعه کتابخانه باشد. به این جهت مصراً تأکید می‌شود که بجای جهت دادن نیروها و خدمات به سوی پایگاههای اطلاعاتی پیوسته و دیسکهای نوری خارجی، تشکیل و روزآمد نگهداشتن پایگاههای اطلاعاتی داخلی مورد توجه قرار گیرد. به بیانی روشنتر، جداً تلاش شود تا اطلاعات مربوط به مجلات، مقالات و کتابهای غیرفارسی به سرعت به کامپیوتر داده شود و زمینه بهره‌گیری مشترک از منابع موجود در داخل کشور به سرعت فراهم آورده شود. مهمتر این که سعی شود با توجیه اصولی، ارزش و اهمیت اولویت بخشیدن به جستجو در منابع موجود را به باوری انگیزه‌آفرین برای سازماندهی به منابع موجود تبدیل کنیم.

و بجای در پیش گرفتن روال منطقی و اصولی پژوهش از راههای غیرعلمی، پژوهش خود را به پایان برساند. یادآوری می‌کند که از ۱۱۸۰ مورد مراجعه به کتابدار ۹۰۳ مورد با جواب منفی روبرو شده‌اند.

از مقایسه مجموع پاسخهای مثبت ستون‌های ۲ و ۴ با مجموع ستون‌های ۶ و ۷ مشخص می‌شود که در مقابل ۲۷۷ جواب مثبت به وجود مقالات شناسایی شده از منابع مکتوب و دیسکهای نوری ۴۸۳ مورد مجله یا برای تهیه فتوکپی و یا برای مطالعه در خارج از کتابخانه به امانت رفته‌اند. به بیان دیگر مراجعات نتیجه‌بخش برای استفاده از مجموعه واقعی کتابخانه طی ششماه مورد بررسی ۲۰۶ مورد بیش از کل مراجعات مثبت با اطلاعات برگرفته از منابع مکتوب و دیسکهای نوری بوده است. یک چنین تفاوتی می‌تواند بیانگر

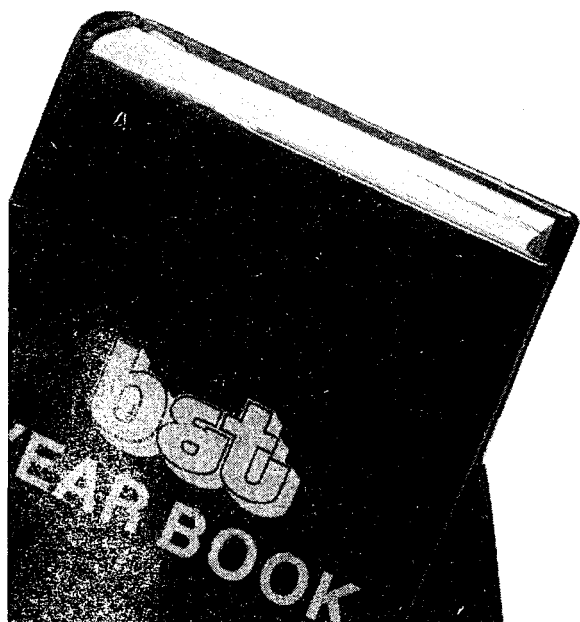
احمد شعبانی

عضو هیأت علمی گروه کتابداری دانشگاه اصفهان

مقایسه رشد کتابخانه‌های عمومی ایران با غرب (در فرایند و تبلور کارکردهای اجتماعی نهاد و سازمان)

مقدمه

در جهان اسلام درک قرآن کریم و آموزش آن به صورت وظیفه مهم مسلمین جلوه‌گر شده و تاریخ میهن ما نیز مملو از تبلور اهمیت سواد خواندن و کتابت متون الهی است. تأسیس نظامیه‌ها، مدارس متنوع و حلقه‌های علمی در مساجد و سوق‌ها یکی از نتایج چنین روندی در پیشینه‌های اجتماعی و آموزش عمومی گزارش شده به قسمی که انگیزه‌های دانش‌پروری بخش مهم توسعه همگانی سواد بوده است. ^۱ مثلاً تاریخ آموزش و پرورش ایران و بلاد همجوار چونان بصره، بغداد و دمشق نشان از بازارچه‌های کتاب، حجره‌های دانشوران، مراکز استنساخ و کتابخانه‌های سلاطین و





خصوصی دانشمندان دارد. با تمام این گذشته درخشان، در دوره کنونی کتابخانه‌های کشور ما به طور کلی و کتابخانه‌های عمومی به ویژه با روند فعالیت‌های آموزشی و کمک آموزشی در خصوص توسعه سازمان کتابخانه‌های عمومی با دنیا فاصله عمیقی دارد. بیانیه یونسکو درباره کتابخانه عمومی ۱۹۹۴ که سعی دارد خط‌مشی‌های کلی را جهت کتابخانه‌های عمومی کشورهای جهان توضیح دهد، می‌گوید: "کتابخانه عمومی مرکز محلی اطلاعات و دسترس‌پذیر ساختن انواع دانش و اطلاعات برای استفاده کنندگان آن است."^۲ یعنی دسترس‌پذیری به مواد را برای همگان و عموم در جوامع یکی از وظایف عمده و کارکردی کتابخانه‌ها بیان داشته و بر آن تأکید کرده است. لیکن تحقیقات موجود در زمینه کتابخانه‌های عمومی کشور ما با این وظایف متناقض به نظر می‌رسد.

هدف

هدف از این مقاله بررسی سوابق رشد کتابخانه‌های عمومی در بریتانیا و ایالات متحده آمریکا به عنوان ممالکی توسعه یافته از دیدگاه تاریخی و عوامل توسعه نهادها و سازمانهای کتابخانه‌ای و کارکرد این مؤسسات با وضعیت و بنیاد تاریخی کتابخانه‌های عمومی در ایران است. در این مقایسه به شرایط متفاوت رشد تاریخی سازمانها در ممالک توسعه یافته و در حال توسعه اشاره شده، و ضمن نگاهی کوتاه به تأثیرات ساختاری در رشد کتابخانه‌های عمومی در غرب، سعی می‌شود روند برخی نکات مؤثر از این ممالک با میهن ما سنجیده شود. بر این قرار براساس برخی توفیق‌های حاصل شده در غرب، توصیه‌های منتشره از دید مسئولان مجدداً طرح خواهد شد.

روش تحقیق

روش این مقایسه کتابخانه‌ای است و بر چنین مبنایی با توجه به مفاهیم اجتماعی از نهاد، سازمان و انجمن و تذکر

تقسیمات دقیق از دیدگاه جامعه‌شناسان، نهاد رشد و کارکرد جوامع مذکور مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. سپس با اشاره کوتاهی از رشد کتابخانه‌ها در مناطق متفاوت یاد شده به استنتاج از این توسعه سازمانی در غرب مبادرت خواهد شد.

پیشینه

سوی مقالات متفرقه و تحقیقات غیرمکتوب که در زمینه کتابخانه‌های عمومی در طول دهه اخیر صورت گرفته، سه تحقیق عمده به نحو مبسوط و وسیع‌تری زمینه‌های کتابخانه‌های عمومی کشور را سنجیده و مورد دقت قرار داده‌اند: نخست بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی در ایران توسط سازمان برنامه و بودجه است که فعالیت‌های کتابخانه‌های عمومی را در دهه شصت با معیارهای انجمن جهانی کتابداران مورد مقایسه قرار داده و مشکلات را در محورهای مختلف با توجه به زمینه‌های محلی ذیل مورد اشاره قرار می‌دهد: محل ساختمان کتابخانه و وضعیت آن، مسائل و مشکلات کتاب و میزان چاپ آن در کشور، نیروی انسانی کتابخانه‌ها، و بالاخره ذکر فهرستی از آمارهای مأخوذ از هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور.^۳ تحقیق دیگر موسوم به ما و کتابخانه‌های سرد و ساکت: بررسی و ارزیابی کتابخانه‌های عمومی کشور است که برای معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صورت یافته و در حقیقت مانند پژوهش نخست معیارهای کتابخانه‌های عمومی کشور را بر اساس شاخص‌های جهانی مورد دقت قرار داده است. امتیاز این تحقیق شاید آن باشد که کشور ما را از نظر تعداد کتابخانه‌های عمومی، تعداد اعضا و مسائلی از این قبیل با ذکر آمارهای ممالکی چون مصر و ترکیه مورد مقایسه قرار داده، جهات مشابهت‌های چنین سازمانهایی را در ممالک در حال توسعه به نظر خواننده می‌رساند.

هر دو تحقیق فوق در زمینه خدمات، نیروی انسانی، مجموعه و مجموعه سازی دیدگاه‌های نزدیکی دارند، زیرا



معیارهای انتخاب آنها استانداردهای ایفلا در زمینه کتابخانه‌های عمومی بوده است.^۴ شاید مرور زمان تبلور خدمات فعلی کتابخانه‌های عمومی را به نحو کاربردی و عملی مطرح کرده است. مثلاً در مقاله **استانداردهای کمی برای کتابخانه‌های عمومی با نگاهی به کتابخانه‌های عمومی خوزستان** نوشته دکتر محمدحسین دبانی سعی شده بجای مقایسه کمی وضعیت فعلی کتابخانه‌های عمومی استان مزبور با معیارهای ایفلا، وضعیت درونداد کتابخانه‌ها را با یکدیگر مورد مقایسه قرار گیرد. زیرا نویسنده معتقد است وضعیت و شرایط اجتماعی و فرهنگی نشر و حجم مواد به زبان فارسی قابل مقایسه با متون مکتوب در غرب نبوده و نمی‌توان استدلال آشکار و عیانی را برای تبیین و تثبیت استانداردهای ایفلا در کشورهایی در حال توسعه ارائه کرد.^۵

چنانچه شایق باشیم که عملی بیندیشیم باید به این زمینه پاسخ داده شود که آیا رشد کتابخانه‌ها، به ویژه کتابخانه‌های عمومی، در ایران مانند ممالک صنعتی فرایند و روند عادی خود را طی کند تا به زمینه‌های سازمانی مستحکم به عنوان ابزارهای کارکرد نهادی تبدیل شود.

نهاد چیست؟

درباره تعریف نهاد و تصور از نهاد بین عالمان اجتماعی و انسانی وحدت نظر ویژه‌ای وجود ندارد، شاید یکی از دلایل این مسئله تشابهات متنوعی است که از مجموعه‌های منسجم روابط اجتماعی با زمینه‌های سازمان و انجمن وجود دارد. یکی از ابتدایی‌ترین اوصافی که روشن‌تر بیان شده از "آگوست کنت" است: "بین خانواده، اقتصاد، و سیاست [به عنوان نهاد] همبستگی منظمی وجود دارد که با هم دارای روابط و مناسبات متقابل هستند..."^۶ کنت نهاد را به منزله یک اندام در کل ارگانیسم اجتماعی تلقی می‌کند که جدا از اندام‌های دیگر نمی‌تواند دارای معنی اصلی خود باشد. می‌توان گفت: "نهاد مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری و اعمال و

افکاری تلقی می‌شود که دارای هدف، کارکرد و ضرورت و عمومیت و دوام است."^۷ هرگاه بخواهیم شکل و ریشه نهادها را مورد بحث قرار دهیم، باید اذعان کرد که اختلاف برای این بخش نیز همچنان موجود است. مثلاً در حالی که در برخی متون جامعه‌شناسی، نهاد به دو پاره نهاد نخستین و ثانوی تقسیم شده، نهاد نخستین را همگانی، دارای قدمت، تداوم در طول زمان و عدم تغییرپذیری می‌داند، نهاد ثانوی را متعلق به جوامعی خاص، با ثبات و دوام نسبی دانسته‌اند. بر این قرار مذهب، اقتصاد و خانواده از نهادهای نخستین و سازمان‌ها و مؤسسات از نهادهای ثانوی تلقی شده‌اند. در مقابل این دیدگاه از نهاد، تقسیم‌بندی دیگری از "مک‌ایور و پیچ" ارائه شده است. آنها در کتابی تحت عنوان جامعه میان دو کلمه نهاد و انجمن قائل به تفاوت می‌شوند. به نظر آن رو نهادها صور یا شرایط استقرار پدیده‌ها هستند. در کنار آنها انجمن‌ها وجود دارند که گروهی هستند که به انجام وظایف استاندارد شده مبادرت می‌کنند. مثلاً در حالی که مذهب و خدمات مذهبی در ردیف نهادها هستند مسجد و کلیسا از نوع انجمن محسوب می‌شود. توضیح "مک‌ایور و پیچ" جالب توجه است که فرق و تفاوت را آشکارتر کرده‌اند: "انجمن به خلاف نهاد دارای محل خاصی است و حال آنکه نهاد در سراسر جامعه معینی عمومیت دارد."^۸

دیدگاه نهادی کتابخانه

این مسئله که کتابخانه به منزله نهادی اجتماعی است مورد دقت و مباحثه بسیاری از اندیشمندان کتابداری بوده است. شاید معروف‌ترین متن آموزش مبانی کتابداری در زبان فارسی از کتابدار معروف هندی ا.ک. موکهرجی است که سعی دارد در سیستم کارکردی نهادهای نخستین و ثانوی یا نهاد و انجمن در زمینه کتابخانه نوعی شباهت به وجود آورد:

کتابخانه‌ها در تمامی دورانها به منزله بخشی از بافت اجتماعی وجود داشته‌اند. کتابخانه، به عنوان، نهادی



اجتماعی، جزء جدایی از پیشرفت اجتماعی نبوده، بلکه به منزله جزئی از کل پیشرفت، مرحله و کارکرد خاصی را نشان داده است.^۹

وی تمایزی در ذیل این فصل از نهاد و سازمان، نهاد و انجمن و پویش شکل یافته سازمان در ذیل سیطره نهاد بیان نکرده، اما معتقد است روند نهاد کتابخانه در قرن نوزدهم میلادی و شکل کارکردی آن دگرگون شد و سرعت گرفت. اینک با توجه به زمینه یاد شده باید بیان کنیم که چگونه کتابخانه‌های عمومی در دوره پس از انقلاب صنعتی به صورت نهادهای ثانوی یا سازمان‌های مستحکمی در جهان توسعه یافته جلوه گر شد، به نحوی که کارکردهای آموزشی در این ممالک با چنین سازمانهایی در هم آمیخت. آیا این نقش سازمانی و کارکردی نیز با همین سرعت قابل انتقال به ممالک در حال توسعه است؟

رشد کتابخانه‌ها در عصر نوین: بریتانیا و آمریکا

غالب مورخین در زمینه رشد کتابخانه‌ها در اروپا بر این عقیده‌اند که فروپاشی دوره قرون وسطی نظام اجتماعی را در این ممالک درهم ریخت و با شکوفایی جریان سرمایه و تحرک دادوستد کارخانه‌ها موقعیت طبقاتی نوینی بین عامه پدید آمد که نتیجه آن در خلق طبقات سرمایه‌دار، متوسط و در نهایت در قرن نوزدهم طبقه کارگر است. چنانچه جایگاه طبقه متوسط را در طول قرون بعد از عصر رنسانس منظور کنیم که به سوی انسجام و یکپارچگی در حرکت بود، بدیهی است که تحولات عمده‌ای در زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نیز به همراه آورد. نخستین شیوه این تبلور در فرهنگ و توسعه آموزش و پرورش در قرون روشنگری است. چنانکه برخی پژوهشگران توسعه سواد همگانی را مبتنی بر پایه‌های انقلاب صنعتی در بریتانیا پنداشته‌اند. در همین روند، نهضت اصلاحات دینی عاملی عمده در دگرگونی سازمان‌های پیشین آموزشی، فرهنگی و اجتماعی در اروپا گردید، کتابخانه‌های

کلیسا و مدارس اسکولاستیک پیکره خود را به سازمان‌های نوین واگذار کرد و تاریخ آموزش و پرورش برگهای جدیدی را به ارمغان آورد. سه متغیر و عامل عمده دیگر در رشد کتابخانه‌ها در این قاره مورد نیاز بود تا کارکردهای کتابخانه‌ها به نحوی مستمر فعال شوند: نخست زایش دوره دولت - ملت بود که زنگ‌های این ناقوس را فیلسوف و اندیشمند ایتالیایی "نیکولوماکیاولی" با تحریر «شهریار» به صدا در آورد، عصری که دولت‌های جدید نیازمند ابزارهای نو برای استقرار ملتی یکپارچه شدند: ارتش برای حفظ نظم، سازمان‌های دولتی برای استقرار و بهبود روند اداری، زبان ملی به منظور وحدت فرهنگی. زبان ملی نه فقط کاربرد مؤثری در آموزش عامه حاصل کرد، بلکه بر ارتباطات و مواد مکتوب نیز تأثیرگذار شد، پس کتاب با یک زبان ملی جایگاه درخوری میان عموم پیدا کرد. دو عامل دیگر به تبعات رشد صنعت در ملل اروپایی باز می‌گردد: کاربرد کاغذ و اختراع چاپ که موجب گردید



کتاب از حالت اشرافی و مهجور خود خارج شده بین عامه روند و فرایندی شایسته پیدا کند. در قرن نوزدهم، صنعتی



منازعات وسیع در صحنه جنگ نخست به سمت جمهوری ترکیه در سال ۱۹۲۳ سوق داد که به عنوان عنصر دولت یکپارچه و ملی در این کشور شناخته شد. همین فرایند برای ما با سقوط سلسله قاجار در عصر انتقال سلطنت از احمدشاه به رضا پهلوی در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی پدید آمد. بنابراین، در حالی که غرب صحنه دولت - ملت را متأثر از اندیشمندان و سیاستمداران خود مانند تالیران، بیسمارک، و گاریبالدی اخذ کرد، شکل دولت واحد در ممالک شرق ناشی از روابط بین دول اخذ شد. حتی صحنه شکل‌گیری سازمان‌های نوین همچون نظمی، عدلیه و معارف به کندی حرکت کرد و این تزلزل در ممالک همجوار و کشور ما با تقلید و مخالفت با فرهنگ و خط بومی همراه بود. بدیهی است در کارکردهای ساختار فرهنگی و اجتماعی این مجامع نیز نسبت به انواع متعالی آن در غرب تفاوت‌های عمده‌ای وجود داشته باشد. مثلاً چاپ «کاغذ اخبار» توسط میرزا صالح در ۱۲۵۳ قمری، تأسیس «دارالفنون» توسط میرزا تقی‌خان امیرکبیر در ۱۲۶۸ قمری و تأسیس مدرسه به سبک نوین توسط میرزا حسن رشدیه در ۱۳۱۵ قمری، نه فقط با دیرکرد زمانی فاحش صورت یافت، بلکه ساختار اجتماعی آنها به قسمی بود که تا دهه‌های چند این گونه اقدامات در جامعه روند پویایی نیافت. در زمینه کتابخانه‌ها نیز باید اشاره داشت که کتابخانه بلدیه تهران در ۱۳۰۵ شمسی شکل یافت و سپس توجهات روشنفکری در مجامع و شهرها، و نه بالا رفتن سطح سواد و رفع نیاز آموزشی و سرگرمی، کتابخانه‌های چندی را در شهرهای تبریز، شیراز و رشت پدید آورد. حتی نوع نامگذاری این کتابخانه‌ها به ملی تبریز، ملی فارس و ملی رشت را می‌توان مبین سلطه فرهنگ ملی گرایانه و روشن اندیشی تلقی کرد. چنانچه بخش دیگری را از مسائل تاریخی کتابخانه‌های عمومی مورد رجوع قرار دهیم باید به حمایت دولت در دی‌ماه ۱۳۴۴ از قانون تأسیس کتابخانه‌های عمومی در شهرها و تخصیص ۱/۵ درصد از کل درآمدهای شهرداریها

شدن جوامع بریتانیا، فرانسه و آلمان، قات فراغت وسیعی را برای طبقات متوسط و پایین می‌آورد، به نحوی که "پل لافارگ" از پیشروان اندیشه سوسیالیسم در تحریر رساله "حق تنبل بودن" فراغت را به مردم تذکر داد. این تحولات گسترده، دگرگونی‌های ویژه‌ای را در نهادهای ثانوی آموزشی به دنبال آورد و آن توسعه کتابخانه‌ها به منزله سازمان‌های کمک آموزشی و فراغتی عامه بود. در پی این روند تلاش‌های "ادواردز" و "اورت" در تصویب قانون «تأسیس، نگهداری و اداره کتابخانه‌های عمومی برای مردم بریتانیا» در سال ۱۸۵۰ میلادی نتیجه داد.^{۱۰}

متقابلاً رشد کتابخانه‌های عمومی در آمریکا دگرگونه بود: مهاجرانی که به این سرزمین برای آینده‌ای نو و امیدبخش رفته بودند، استقلال بیشتری در فکر و اندیشه بروز داده، در طول سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۸۵۰ میلادی به منظور کمک به یکدیگر تعداد معتدلی کتابخانه برای استفاده کارآموزان و حرفه‌مندان پدید آمد، حتی قبل از آن نیز انجمن‌های ادبی پراکنده در این سرزمین دارای کتابخانه‌های بسیاری بودند. بدیهی است روحیه خلاقیت و وحدت ساکنان قاره نو تأثیر مضاعفی در تأسیس کتابخانه‌های عمومی داشت. نخستین کتابخانه عمومی در شهر بوستون در سال ۱۸۴۸ بنیاد یافت و تا سه دهه بعد یعنی سال ۱۸۷۶ شانزده ایالت قانوناً اجازه تأسیس کتابخانه عمومی یافتند.^{۱۱}

رشد کتابخانه‌ها در عصر نوین: ایران

بی‌شک تاریخ ایران و رشد کتابخانه‌ها در این سرزمین روندی دگرگونه نسبت به غرب و سرزمین‌های مزبور را پیمود. نخستین بار توجه به دولت‌های ملی و رشد سازمان‌های نوین به مفهوم وحدت یافته در این کشور متأثر از تحولات ژرف در جنگ جهانی اول و نیاز استعمار اروپا به سرزمین‌های حائل در مقابل انقلاب بلشویکی در کشور روسیه پدید آمد. با فروپاشی امپراتوری عثمانی، مصطفی کمال پاشا رژیم کهن را پس از



به رشد این مجامع یاد کنیم. آشکار است که این اقدام نه ناشی از احتیاج سیستم آموزشی به نهادهای کمک آموزشی، بلکه آرایشی مجدد از لحاظ سازمان‌های دولتی با توجه به وضعیت اقتصادی مناسب دولت در دهه مذکور است.

بر چنین مبنایی است که کتابخانه‌های عمومی در کشور ما از پیشینه‌ای سست و ناهمگون برخوردار بوده، به نحوی که وظایف کارکرد آن در چارچوب شرایط اجتماعی در سده حاضر نتوانست مفاهیم و اهداف آن را برای جامعه و استفاده‌کنندگان از آن فراهم آورد، و بر همین اساس است که کتابخانه و مسئله نشر و چاپ و مطالعه که با روند آموزشی کتاب درسی قرین شده، با فروغی مجدد در تمدن امروزی ظاهر نمی‌شود.

بحث و استنتاج: فراگیری درس‌هایی از رشد تاریخ کتابخانه‌های غرب

یک نگاه و اندیشه مجدد در خصوص رسالت کتابخانه عمومی در "بیانیه یونسکو درباره کتابخانه عمومی ۱۹۹۴" نشان می‌دهد که امروز به مرور وظایف و اهداف این کتابخانه‌ها جنبه‌های آموزشی و کمک آموزشی یافته و شرایط جدیدی را این کتابخانه‌ها در سیستم‌های آموزشی طلب می‌کنند: ایجاد و تقویت عادات مطالعه در کودکان، حمایت از فرد و خودآموزی به همان میزان آموزش رسمی در تمام سطوح، ایجاد فرصت‌هایی برای گسترش خلاقیت شخصی، حمایت و مشارکت در فعالیتهای برنامه‌های سوادآموزی برای تمام گروه‌های سنی. کاملاً عیان است که تقاضای این‌گونه وظایف از کتابخانه‌های عمومی کشور غیرمنطقی و فراتر از تصور جلوه‌گر می‌شود. لیکن می‌توان تقاضاهای مشروعی را از این کتابخانه‌ها با توجه به توان فعلی از آنها بیان داشت، این مسئله که کتابخانه‌های عمومی به ترمیم منابع انسانی، مجموعه، فضا و تجهیزات در حد دیگر سازمان‌های آموزشی و اجتماعی مبادرت کرده، خود را با روند فعلی نظام آموزشی

در بخش‌های دولتی و خصوصی تطبیق دهند. شاید مهمترین مواردی که از نتایج کارکردی کتابخانه‌های عمومی غرب برای ما به منزله آموزشی مهم جلوه‌گر می‌شود، عبارت باشد از:

۱. تحکیم روابط کتابخانه‌های عمومی با عامه و همگان در بنیاد سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کتابخانه‌ها، چنانچه اندیشه کتابخانه‌هایی برای همگان در اواسط قرن هجدهم در آمریکا ناشی از «کتابخانه اجتماعی» و «انجمن‌های ادبی» بود. بر این قرار مناسب است به رشد و توسعه انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی مبادرت شده، روند همکاری مردمی را در این کتابخانه‌ها فراهم کنیم.

۲. از عوامل مهم رشد کتابخانه‌ها در آمریکا و بریتانیا حمایت ثروتمندان و مقامات مهم اجتماعی - سیاسی از سازمان‌های مزبور بود. مثلاً تاریخ کتابخانه‌های عمومی آمریکا آمیخته با کمک‌های بنیامین فرانکلین، و در بریتانیا ناشی از حمایت‌های مالی گسترده آندروکارنگی است. همین روند در کتابخانه‌های دانشگاهی کشورمان مشهود است، چنانچه بخش اعظم و وسیعی از نسخ خطی کتابخانه‌های مرکزی دانشگاه‌های تهران و اصفهان نتیجه اهداء و وقف سیدمحمد مشکوة و محمد صدر هاشمی بوده است. یکی از مهمترین اقدامات سیاست‌گذاران این کتابخانه‌ها جلب حمایت‌های مالی ثروتمندان در ساخت فضا و یا واگذاری زمین در بخش‌های مناسب شهری است، گمان می‌رود عدم فعالیتهای تبلیغی و یا نداشتن اطمینان‌های جنبی برای این‌گونه افراد، فعالیت‌های ثمربخشی را به دنبال نداشته است.

۳. از موارد عمده و حساس در سیاست‌های کتابخانه‌های عمومی کشور توسعه همکاری‌های بین سازمانی با نهادها، مؤسسات و انجمن‌هاست که می‌تواند به فعالیت‌های آنها تعمیق بخشد. اینک بسیاری از مؤسسات و وزارتخانه‌ها بر زمینه توسعه مطالعه، گسترش سوادآموزی و ترویج فرهنگ مبادرت می‌ورزند، ضروری است راه‌های روند مشارکت میان انجمن کتابخانه‌های عمومی کشور با این زمینه‌ها مورد دقت



واقع شود: با وزارت آموزش و پرورش در زمینه همکاری مناسب در باب توسعه کتابخانه‌های آموزشگاهی و کتابخانه‌های کودکان، با وزارت بهداشت، درمان و پزشکی توسعه مجموعه‌های ادغامی به جای مجموعه‌های پزشکی، با وزارت جهادسازندگی در زمینه تنظیم رویه‌ای مناسب در باب کتابخانه‌های روستایی و سیار، و انجمن حمایت از زندانیان در خصوص عملکردی فعال در زمینه کتابخانه‌های زندان.

۴. در تداوم پیشنهادات فوق که تأکیدی مجدد بر خدمات فرانهادی کتابخانه‌ها تلقی شده، به میزان وسیعی نیروهای موجود برای مقامات در زمینه کتاب و کتابخانه ناشناخته مانده، و یا به علل موانع مالی از سیاست فعالی در این زمینه برخوردار نبوده‌ایم. یکی از نیروهای بالقوه، کتابخانه‌های حسینیه‌ها و مساجد کشور است که می‌تواند نقش فعالی را در توسعه دانش و پژوهش قشر نوجوان و جوان پدید آورد. شاید مناسب باشد که از طریق نهادهای موجود به تربیت اقشار فعال و جوانی مبادرت شود تا این کتابخانه‌ها را در طول روزهای هفته برای قرائت، امانت و کارهای درسی در سطح جوانان برطبق برنامه‌ای تنظیم یافته، باز نگه داشت.

۵. از موارد عمده که در مقابل مسئولان کتابخانه‌های عمومی کشور موجود است، توسعه فعالیت‌های فوق برنامه کتابخانه‌هاست. این توسعه باید همراه با طرح و تدوین دستورالعملی مناسب در زمینه‌های متنوع صورت گیرد. این زمینه‌ها می‌تواند در باب فعال کردن بخش نشریات متنوع روزآمد کشور، تأسیس و گسترش بخش‌های دیداری - شنیداری و امانت این‌گونه مواد، مشارکت فعال با انجمن‌های ادبی در سطح شهرها و همکاری با روزنامه‌های محلی بنیاد یافته، روند فعالیت فوق برنامه این مجامع را به نحو آشکاری به منظور ارتقاء رغبت نوجوان و جوان به مطالعه برانگیخت.

یادداشت‌ها

۱. الایان، ربیعی مصطفی «تاریخ کتابخانه‌های اسلامی» ترجمه احمد شعبانی و فرزانه فرزین. مشکوة شماره ۳۵ (۱۳۷۱): ۲۶ - ۲۶.
۲. «بیانه بونسکو درباره کتابخانه عمومی ۱۹۹۴». ترجمه زهره میرحسینی. پیام کتابخانه. سال پنجم، شماره اول و دوم (بهار و تابستان ۱۳۷۴): ۱۰۷ - ۱۰۸.
۳. غفوری روزبهانی، ناصر؛ تاج محرابی، سهیلا. بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی در ایران. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۰، ص ۶۷.
۴. معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ما و کتابخانه‌های سرد و ساکت. دانشگاه انقلاب (آذر ۱۳۷۳): ۱۲۹ - ۱۵۵.
۵. دینانی، محمدحسین. «استانداردهای کمی برای کتابخانه‌های عمومی با نگاهی به کتابخانه‌های عمومی خوزستان. مجله علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اهواز. دوره سوم، سال دوم. شماره اول و دوم (۱۳۷۴): ۵۱ - ۷۷.
۶. وثوقی، منصور؛ نیک خلق، علی‌اکبر. مبانی جامعه‌شناسی. تهران: خردمند، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷ - ۱۴۸.
۷. همان. ص ۱۴۸.
۸. محسنی، منوچهر. جامعه‌شناسی عمومی تهران: طهوری، ۱۳۷۰، ص ۲۰۱.
۹. موکهرچی، ا. ک. تاریخ و فلسفه کتابداری. ترجمه اسدالله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ص ۶۰.
۱۰. نامپسون، جیمز. تاریخ اصول کتابداری. ترجمه محمود حقیقی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص ۳۰.
۱۱. همان. ص ۳۲.